

علم أصول الفقه

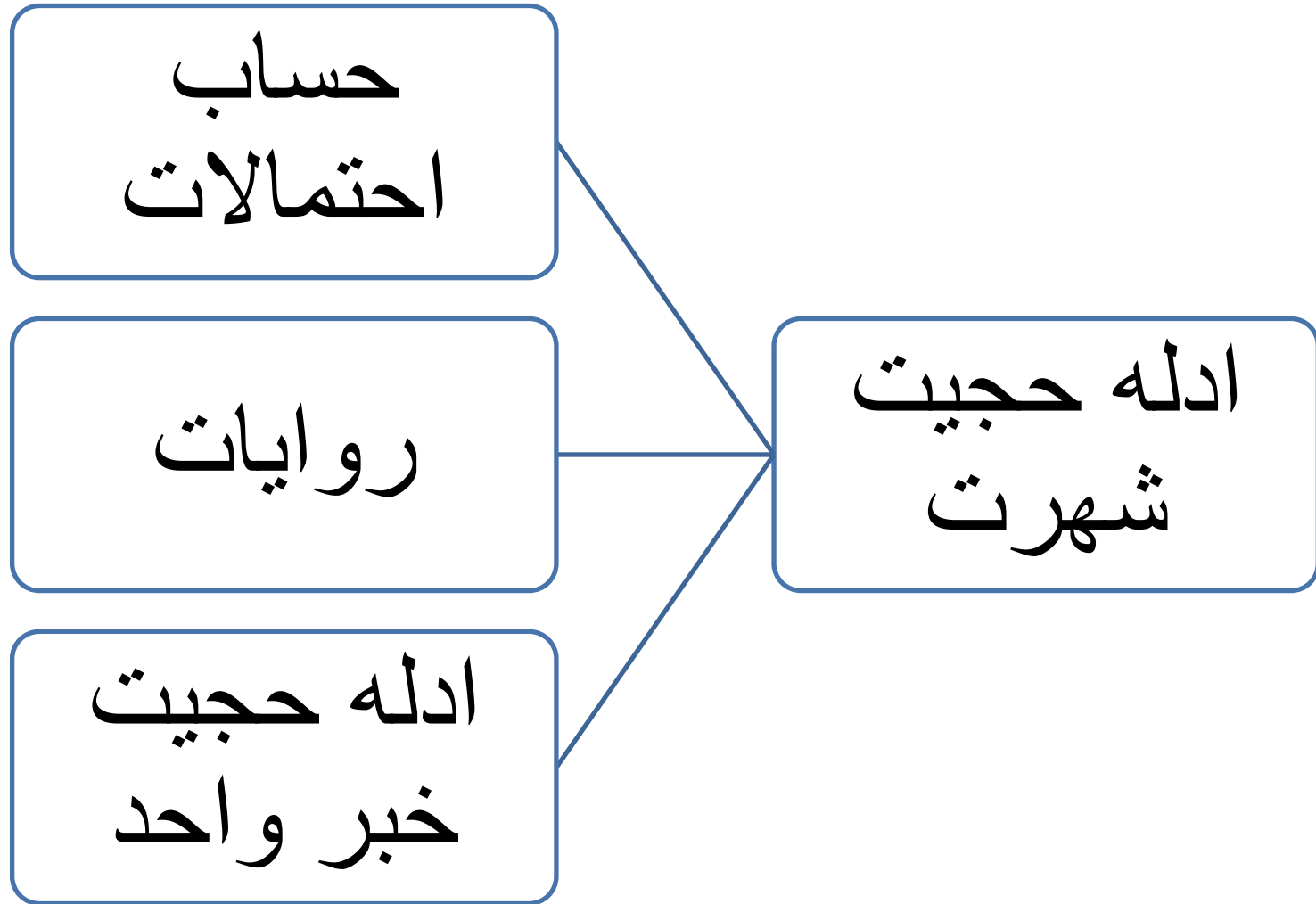
٢١

شهرت

٩٣-٩-٤

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

• وَإِنْ تَطَعُ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ
 إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (١١٦) إِنْ
 رَبِّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ
 (١١٧)



۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- ۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد
- برخی گفته‌اند در بحث حجیت خبر واحد، خبر بودن موضوعیت نداشت، بلکه طریقیّت داشت؛ یعنی اینکه این مطلب را یک نفر برای ما نقل کرده است و اینکه این یک نفر ثقه بوده است، هیچ کدام در حجت بودن طریق دخالت ندارد.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- مهم این است که یک خبری با این ویژگی‌ها % ۷۵ امکان مطابقت با واقع دارد و هر چیزی که احتمال مطابقتش با واقع مساوی با خبر واحد یا بیش از آن باشد، حجت خواهد بود؛
- به تعبیر دیگر ما از ادلة حجیت خبر واحد، این کبرای کلی را به دست می‌آوریم که آنچه به اندازه خبر واحد یا بیش از آن، مفید ظن نوعی باشد، حجت است.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- شهرت فتوایی هم مفید ظن نوعی است؛ یعنی احتمال اینکه حکم شرعی در عالم واقع مطابق همین فتوای مشهور باشد، مظنون است و این ظن کمتر از ظن حاصل از خبر واحد نیست.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- اگر یک آدم ثقه‌ای که فقه نمی‌داند و به رموز احکام آشنایی ندارد، مطلبی را برای ما نقل کند، مفید درجه‌ای از ظن مثلاً ۷۵٪ است.
- حال وقتی جمعی از فقها که همه متخصص‌اند و اطلاعات وسیع علمی دارند، به مطلبی فتوا می‌دهند، به طریق اولی ظن حاصل از آن فتاوا کمتر از ظن حاصل از نقل یک حدیث توسط یک نفر نخواهد بود.
- در این استدلال صغری را از تحلیل خود شهرت فتوایی و کبری را از تحلیل ادلة حجیت خبر واحد به دست آورده‌ایم.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- اشکال بر همسانی شهرت با خبر واحد
- آیت الله خوئی - رضوان الله علیه - بین دو مطلب تفکیک کرده‌اند: ظن حاصل از شهرت یا خبر واحد و میزان احتمال مطابقت این خبر یا شهرت با واقع.
- به اصطلاح عربی امروز ظن حاصل از خبر واحد یا شهرت یک امر ذاتی است؛ یعنی یک امر قائم به شخص است.
- وقتی با خبر واحد مواجه شدیم یک صفت نفسانی در ما پیدا می‌شود که از آن به ظن یاد می‌کنیم.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- اینکه خبر چقدر مطابق با واقع است، صفت خبر است و ربطی به حالات نفسانی انسان (شنونده خبر) ندارد و به اصطلاح عربی امروز یک امر موضوعی است.
- ایشان از یک سو پذیرفته‌اند که ظن حاصل از شهرت مساوی با خبر واحد یا بیش از خبر واحد است
- و از سوی دیگر پذیرفته‌اند که احتمال مطابقت شهرت با واقع لزوماً مساوی با خبر واحد یا بیش از آن باشد.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- حال اگر حجیت خبر واحد از باب میزان ظن ایجاد شده، نباشد؛ یعنی به آن امر ذاتی ربطی نداشته باشد، بلکه از باب میزان احتمال مطابقت خبر واحد با واقع باشد، دیگر شهرت حجت نیست؛ چون احتمال مطابقت شهرت با واقع لزوماً به اندازه خبر واحد نیست؛ برای مثال ممکن است میزان ظن نوعی حاصل از خبر واحد 75% و میزان ظن نوعی حاصل از شهرت 80% است یعنی شهرت حتی بیش از خبر واحد مفید ظن باشد؛ اما احتمال مطابقت خبر واحد با واقع 70% و احتمال مطابقت شهرت با واقع 60% باشد.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- در حقیقت ایشان کبرای استدلال را مخدوش می‌داند و معتقد است حد وسط این کبری برای ما معلوم نیست.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- بررسی و نقد اشکال
- حاصل نقد این است که همیشه میزان احتمال ذاتی با میزان احتمال موضوعی یکی نیست؛ اما فهم دقیق این نقد به یک تحلیل عمیق‌تر احتیاج دارد.
- ممکن است ظن حاصل از خبر واحد، برای یک شخص زیاد باشد و برای دیگری کم باشد؛ چون یکی ساده لوح است و هر کسی هر چیزی به او بگوید، باور می‌کند و حتی ممکن است یقین هم پیدا کند؛ اما دیگری خیلی آدم شکاکی است به گونه‌ای که اگر یک چیز خیلی واضح هم به او بگویند، به این راحتی قبول نمی‌کند.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- ساده لوح بودن و دیرباور بودن از امور ذاتی و خصوصیات رواشناختی هستند.
- وقتی می‌گوییم **ظن نوعی معیار است**، یعنی خصوصیات مخاطبین مثل ساده لوح بودن، دیرباور بودن، شکاک بودن و جز این را کنار بگذاریم و بررسی کنیم خود این خبر، به لحاظ ویژگی‌های ذات خبر، چند درجه احتمال مطابقت با واقع را دارد.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- یک تاس را فرض کنید که روی هر یک از این وجوهش یک عدد از یک تا شش نوشته شده است. وقتی این تاس را به زمین می اندازیم، احتمال اینکه یکی از این عددها رو به بالا قرار بگیرد چقدر است؟ یک ششم. فرق نمی کند که چه کسی و چطور این تاس را می اندازد. این احتمال وابسته به خصوصیت این تاس و مجموعه عواملی است که در بیرون وجود دارد مثل جاذبه زمین، شکل زاویه، رأس های معکب و جز این.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- در بحث حجیت خبر، وقتی می‌گوییم خبر واحد ثقة، مفید ظن نوعی است، خصوصیت شنونده و گوینده الغاء می‌شود؛ یعنی حداقل وثاقت را در نظر می‌گیریم. چه بسا یک راوی بقال باشد و ثقة باشد بدین معنا که آدم مورد اعتمادی است و دیگری یک شخصیتی باشد که از مراتب بالای عدالت برخوردار باشد.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- در حقیقت وثاقت عرض عریضی دارد که از اقل مراتبش آن است که شخص ثقه که عمداً دروغ نمی گوید و در حد متعارف اشتباه نمی کند و بالاترینش آن است فرد ثقه مراتبی نزدیک به معصوم - علیه السلام - دارد.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- خبر ثقه با قطع نظر از خصوصیات خودش و شنونده، درجه‌ای از احتمال مطابقت با واقع دارد که همان درصد ظن نوعی حاصل از خبر واحد است. مثل همان یک ششم در مثال تاس. اگر به اندازه یک ششم احتمال دارد یکی از این عددها رو به بالا قرار بگیرد، ظن نوعی نسبت ما به اینکه کدام یک از این عددها رو به بالا قرار می‌گیرد نیز مساوی است با همان یک ششم.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- در بحث حجیت خبر واحد می‌گوییم که خبر واحد حجت است حتی برای کسی که این خبر واحد برای او بالفعل مفید ظن نباشد؛ زیرا معیار آن است که خبر واحد به طبیعت خودش و به صورت نوعی اقتضای ایجاد چنین ظنی را داشته باشد.
- چه بسا این فرد به دلیل خصوصیاتش از این خبر واحد اصلاً ظن هم پیدا نمی‌کند. بنابراین تفکیک آیت الله خوئی - رضوان الله علیه - قابل قبول نیست.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- پس یا باید صغری را انکار کنیم؛ مثلاً بگوییم ظن حاصل از شهرت، مساوی یا بیش از ظن حاصل از خبر واحد نیست که این چنین چیزی بعید نیست؛ زیرا در موارد خبر واحد، شخصی که خبر می‌دهد ممکن است هیچ تخصصی نداشته باشد، حتی خودش نفهمد جمله‌ای را که می‌گوید چه معنایی دارد؛ چون لازم نیست راوی برای نقل روایت جمله منقول را بفهمد و در حقیقت روای مثل ضبط صوت عمل می‌کند و شنیده‌ها و دیده‌هایش را بازگو می‌کند

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- و با حدس و استنباط کاری ندارد و ادلة حجیت خبر واحد نیز فقط دایرة اِخبار حسی را شامل می شود؛ اما در شهرت صاحبان فتوا لزوماً متخصص هستند و با حدس و استنباط سر و کار دارند.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- بنابراین ممکن است کسی بگوید ظن حاصل از خبر واحد مساوی یا کمتر از ظن حاصل از شهرت نیست، بلکه بیش از آن است؛ یعنی احتمال مطابقت خبر واحد با واقع از احتمال مطابقت شهرت با واقع بیشتر است؛ چون خطا در حس کمتر از خطا در حدس است.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- ممکن است کسی انکار صغری را نپذیرد و بگوید احتمال مطابقت خبر واحد با واقع بیشتر از احتمال مطابقت شهرت با واقع نیست.
- این درست است که فتوای فقها از سنخ حدس و احتمال خطا در حدس بیش از حس است؛ ولی این حدس، حدس یک نفر نیست، بلکه حدس جمعی از فقها است بخلاف خبر که خبر یک نفر است.
- بنابراین در شهرت احتمال خطا به سبب تجمیع احتمالات خیلی کم می شود به گونه ای که احتمال مطابقتش با واقع حداقل مساوی احتمال مطابقت خبر واحد با واقع شود.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- ممکن است کسی انکار صغری را نپذیرد و بگوید شاید خداوند - تبارک و تعالی - در حجیت بخشی به خبر واحد، از علم غیب خود استفاده کرده است. اگر یک آدم عادی می‌خواست خبر واحد را حجت قرار دهد، مقدار احتمال مطابقتش با واقع را در نظر می‌گرفت؛ مثلاً چون ۷۵٪ احتمال مطابقت با واقع دارد آن را حجت قرار می‌داد.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- این در حالی است که آدم عادی نمی‌داند چه تعداد از خبرهایی که به ما خواهد رسید، مطابق با واقع است؛ چون علم غیب ندارد و ممکن است تعداد اخبار مطابق با واقع بیش از این درصد و یا کمتر از آن باشد؛ اما خدا - تبارک و تعالی - می‌داند در نفس الأمر چه تعداد از اخبار مطابق با واقع هستند.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- پس جواب دیگر این است که بگوییم خدا - تبارک و تعالی - خبر واحد را حجت قرار داد نه از این باب که مثلاً ۷۵٪ احتمال مطابقت با واقع دارد، بلکه چون به علم غیب خود می‌داند که فلان تعداد از اخبار مطابق با واقع هستند.
- حال از کجا معلوم که میزان شهرت‌هایی که در نفس الامر مطابق با واقع هستند، همین مقداری باشند که ما در ظاهر احتمال می‌دهیم.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- آنچه ما می‌دانیم این است که احتمال مطابقت شهرت با واقع، مساوی یا بیش از خبر واحد است؛ ولی محال نیست که اکثر شهرت‌ها اصلاً مطابق با واقع نباشند؛ به عبارت دیگر وقتی می‌گوییم شهرت % ۲۵ احتمال دارد مطابق با واقع نباشد، بدان معنا نیست که در عالم واقع لزوماً بیست و پنج درصد از شهرت‌ها مطابق با واقع نیستند و باقی مطابق هستند، بلکه ممکن است تمام این شهرت‌ها در نفس الأمر مطابق با واقع نباشند؛ مثل اینکه به فرض با توجه به ترکیب جمعیتی ایران الآن بالای % ۷۵ جمعیت ایران زیر ۳۰ سال باشند. آن‌گاه بگوییم بنابراین احتمال دارد الآن در این اتاق % ۷۵ افراد زیر ۳۰ سال باشند. حال با بررسی دقیق می‌بینیم اتفاقاً تمام افراد در اتاق بالای ۳۰ سال هستند.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- لازمه پذیرش جواب آیت الله خوئی - رضوان الله علیه - این است که بپذیریم حجیت خبر واحد امر عقلایی نیست، بلکه یک امر تعبدی شرعی است که شارع آن را تأسیس کرده است؛ چون اگر فرض کردیم که معیار حجیت خبر واحد میزان مطابقت آن با واقع باشد، عقلا نمی‌تواند آن را معیار حجیت خبر واحد بدانند؛ چون این امر در دسترس عقلا نیست.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- گویا شهید صدر - رضوان الله علیه - در هنگام طرح این اشکال در ذهنشان این بوده است که اکثریت قریب به اتفاق اصولی‌ها حجیت خبر واحد را امری عقلایی می‌دانند که شارع آن را امضاء کرده است.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- بنابراین اکثر اصولی‌ها لازمهٔ پیش‌گفته را نمی‌پذیرند.
- در گذشته اشاره کردم که فقط استاد ما، شاگرد شهید صدر - رضوان الله علیه - حضرت آیت الله حائری - حفظه الله - بر خلاف همهٔ اصولی‌های قبل و بعد از خود معتقدند که شارع خبر واحد را تعبداً و تأسیساً حجت قرار داده‌است.
- ایشان ادلهٔ حجیت عقلایی خبر واحد را قبول ندارند. اگر کسی مبنایی مثل ایشان داشته باشد، معنا دارد که بگوید شارع در حجیت خبر از علم غیب خود استفاده کرده‌است.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- اصل اشکال از آنجا پیدا شد که توهم شد ادلة حجیت خبر واحد محدود به خبر واحد نیست و فراتر از خبر واحد را در بر می‌گیرد. در واقع گمان برده شد که خبر واحد از باب طریقت حجت است نه از باب موضوعیت.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- بنابراین اصلاً خصوصیت خبر واحد بودن الغاء می‌شود و معیار صرفاً مقدار ظنی است که از خبر واحد حاصل می‌شود. در واقع شارع طریقی را حجت قرار داده‌است که درجه‌ای از ظن را دارا باشد بدون اینکه منشأ این ظن دخالتی در حجیت آن طریقی داشته باشد. اگر چنین الغاء خصوصیتی را بپذیریم نه تنها شهرت، بلکه هر طریقی که ظن حاصل از آن مساوی یا بیشتر از خبر واحد باشد، حجت خواهد بود.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- به تعبیر دیگر خبر واحد عنوان مشیر به یک مرتبه خاصی از ظن است. شارع به جای اینکه بگوید مثلاً ظن % ۷۵ درصدی حجیت است، گفته است خبر واحد حجیت است که نوعاً همان مقدار ظن را در پی دارد.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- بنابراین این بحث محدود به شهرت نیست و مثلاً در مورد اجماع می توانستیم بگوییم اجماعی که مفید اطمینان یا یقین به رأی معصوم - علیه السلام - نیست؛ ولی مفید ظن به رأی معصوم - علیه السلام - است، مشمول ادلة حجیت خبر واحد می شود و بدون شک ظن حاصل از اجماع از ظن حاصل از شهرت بیشتر است یا حتی اگر ظن حاصل از قیاس فقهی یعنی تمثیل منطقی مساوی با ظن حاصل از خبر واحد یا بیشتر از آن باشد، ادلة حجیت خبر واحد شامل این قیاس هم می شود.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- نکته جواب برمی‌گردد به مطلبی که در بحث جمع بین حکم ظاهری و واقعی گفتیم. حجیت خبر واحد یک حکم ظاهری اصولی است؛ یعنی خبر واحد مادامی حجت است که یقین به خلافش نداشته باشیم و اگر کشف شود که خبری مطابق با واقع نیست، حجیتی نخواهد داشت.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- وقتی خبری می آید که دلالت می کند مثلاً غسل جمعه مستحب است، معنایش این است که بنا را بگذارید بر همین که در متن این روایت آمده است؛ مثلاً اگر استحباب است، همان استحباب را بپذیرید. این استحباب یک حکم ظاهری است؛ یعنی مادامی وجود دارد که یقین به خلافش نداشته باشیم.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- در بحث جمع بین حکم ظاهری و واقعی مطرح شد که شارع در همان حال که در نفس الأمر حکم واقعی دارد، حکم ظاهری هم جعل کرده است؛ مثلاً غسل جمعه در عالم واقع حکمی دارد. یا واجب است یا مستحب یا حرام یا مکروه یا مباح.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- حال شارع چطور برای غسل جمعه در حالی که یک حکم واقعی دارد، یک حکم ظاهری هم جعل می‌کند؛ چون وقتی که این حکم ظاهری مطابق با واقع باشد، اجتماع مثلین پیش می‌آید؛ یعنی دو حکم مثل هم برای یک شیء. اگر مخالف با واقع باشد، اجتماع ضدین پیش می‌آید؛ مثلاً شارع غسل جمعه‌ای را که واقعاً مستحب است، در ظاهر واجب کند یا بالعکس.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- وجوب و استحباب دو حکم مغایر و به اصطلاح ضد هم هستند. به این شبهه جواب‌هایی داده شد.
- شهید صدر - رضوان الله علیه - می‌گوید اساساً منشأ پیدایش حکم ظاهری مشکلی در عبد است که دامن‌گیر خودِ مولا هم می‌شود.
- مشکل این است که عبد نمی‌تواند به همة احکام واقعی علم پیدا کند. این مشکل مولا را گرفتار می‌کند. او چگونه عبدی را که احکام واقعی را نمی‌داند و نمی‌تواند احکام واقعی را کشف کند، راهنمایی کند؟

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- اگر می‌شد که عبد احکام واقعی را بفهمد به گونه‌ای که هیچ خفایی در ناحیه احکام واقعی نباشد، اصلاً نیازی به جعل حکم ظاهری پیدا نمی‌شد و تنها راه اینکه تمام بندگان احکام واقعی اسلام را بفهمند آن است که همه ایشان پیغمبر باشند و خدا - تبارک و تعالی - به آنها وحی کند؛ ولی این راه بسته است؛ چون پیغمبری قابلیت می‌خواهد و اکثریت بلکه همه، این قابلیت را ندارند.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- حال شارع می خواهد این اکثریت را راهنمایی کند در حالی که این ها نمی توانند همه چیز را آن طوری که هست، ببینند؛ برای مثال فرض کنید زمینی مین گذاری شده است. اگر همه نقاط مین گذاری شده مشخص بود، شخص می توانست به سادگی از این زمین به سلامت رد شود؛ اما فرض این است که فرد نمی داند مین ها کجا جاگذاری شده اند و فردی که نقشه مین در دست دارد، نمی تواند به این هایی که می خواهند رد شوند، بگوید دقیقاً از کجا رد شوید. در اینجا چه باید کرد؟

٣. تعميم دليل حجيت خبر واحد

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- شهید صدر - رضوان الله علیه - می فرماید در واقع شارع در اینجا گرفتار یک نوع تراحم حفظی می شود؛ یعنی یک سری احکام واقعی وجود دارد که مصالحی را به دنبال دارند و عبد باید آن‌ها را انجام دهد تا آن مصالح به دست بیاید. همچنین یک سری احکام واقعی وجود دارد که مفاسدی را به همراه دارند و عبد باید از این‌ها اجتناب کند تا گرفتار مفاسد نشود و نیز ترخیص‌هایی وجود دارد که شارع فعل و ترک آن‌ها را الزامی نکرده است.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- اکنون که این احکام بر عبد پوشیده شده است، شارع باید راهی برای رسیدن به آن احکام نشان دهد. در این راه شارع ناگزیر است در برخی موارد چیزهایی را فدا کند؛ یعنی باید اجازه دهد عبد گرفتار بعضی مفسد شود یا بعضی از مصالح را از دست بدهد؛ البته شارع باید کاری کند که کمترین میزان صدمه وارد شود و بهترین راه را جلوی پای عبد بگذارد. این راه همان جعل احکام ظاهری است که دو دسته هستند: بعضی به ملاک قوت محتمل ترجیح داده می‌شوند و بعضی به ملاک قوت احتمال.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- دسته اول اصول عملیه و دسته دوم امارات هستند. شارع اماره را از این باب جعل کرده است که احتمال مطابقتش با واقع از عدم مطابقتش بیشتر است؛ یعنی اگر خبر واحد می گوید فلان عمل واجب است، احتمال اینکه واقعاً واجب باشد از احتمال اینکه واجب نباشد، بیشتر است.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- با وجود چنین راه حلی دیگر الآن عبد می تواند به آن سو یعنی احکام واقعی راه پیدا کند و وجهی ندارد که شارع راه حل دیگری هم قرار دهد؛ مگر اینکه خودش احساس کند که با این یک راه مشکل حل نشده است.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- پس دیگر ما نمی‌توانیم بگوییم چون شارع فرموده است از خبر واحد استفاده کن و نکته این راه حل میزان مطابقت خبر واحد با واقع بوده است، پس می‌توان از شهرت هم استفاده کرد که همان میزان مطابقت را دارد؛ زیرا چه بسا با همین خبر واحد مشکل تراحم حفظی حل شده باشد و وقتی حل شده باشد، دیگر زمینه‌ای برای جعل یک حجت دیگری نخواهد بود.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- ما وقتی می فهمیم که زمینه برای جعل حجت طریق دیگر وجود دارد که شارع یک دلیل خاص بر حجیت آن طریق دیگر اقامه کند؛ اما وقتی شارع فرموده است که شهرت فتوایی حجت است، ما نمی توانیم بگوییم شهرت فتوایی هم یکی از همان طرقی که است شارع برای حل مشکل تراحم قرار داده است. به طور کلی دلیل هر اماره‌ای بیش از حجیت خود آن اماره را ثابت نمی کند.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- نتیجه بحث این می شود که شهرت فتوایی نه به حساب احتمالات، مفید اطمینان و یقین است و نه به دلیل «مقبولة عمر بن حنظله» یا «مرفوعه زراره» حجیت دارد و نه ادلة حجیت خبر واحد می توانند حجیت آن را ثابت کنند.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- شهید صدر - رضوان الله علیه - خیلی مجمل به مطلب آیت الله خوئی - رضوان الله علیه - اشاره کرده است به گونه‌ای که توضیحات ما اصلاً از عبارت ایشان به دست نمی‌آید، بلکه از بیان خود آیت الله خوئی - رضوان الله علیه - هم به دست نمی‌آید؛ ولی به نظر می‌رسد مقصود ایشان همین توضیحاتی است که ما گفتیم.
- ذاتی در اینجا معادل اصطلاح ساجکتیو در فلسفه کانت است.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- موضوعی در اینجا معادل اصطلاح آبجکتیو در فلسفه کانت است.
- واعظ الحسینی البهسودی، محمد سرور، مصباح الأصول (تقریر درس اصول آیت الله خوئی)، ج ۲، ص ۱۴۴.
- دروغ گفتن یا اشتباه کردن ثقه محال نیست و ممکن است یک بار دروغ بگوید یا اشتباه کند؛ ولی عادتاً دروغ نمی‌گوید یا اشتباه نمی‌کند.
- ممکن است یک آدمی حالتی داشته باشد که گمان کند بیشتر وقت‌ها که تاس را می‌اندازد، عدد شش می‌آید. در حقیقت ظنش به این است که ۸۰٪ عدد شش می‌آید. این امر ذاتی است و وابسته به این شخص است.
- شهید صدر - رضوان الله علیه - راه حلی مطرح کرد که در واقع یکی از مهم‌ترین ابداعات اصولی ایشان محسوب می‌شود؛ البته این بحث به صورت خیلی مجمل و نامفهوم در مطالب افاضیاء عراقی - رضوان الله علیه - هست و بعضی گفته‌اند شاید شهید صدر - رضوان الله علیه - از ایشان الهام گرفته است؛ ولی هر کسی آن کلمات افاضیاء - رضوان الله علیه - را ببیند، متوجه می‌شود که این بحث شهید صدر - رضوان الله علیه - را نمی‌شود از آن به دست آورد و به فرض هم شهید صدر - رضوان الله علیه - توانسته چنین کاری کند، مثل این است که خودش ایجاد کرده باشد! اصلاً معلوم نیست خود افاضیاء - رضوان الله علیه - هم مقصودشان این بوده باشد؛ چون در جاهای دیگر بحث روشنی در این زمینه ندارد.
- این ترخیص‌های شارع همه لاقتضاء نیستند؛ یعنی علت ترخیص این نیست که نه زمینه الزام به فعل بوده است و نه زمینه الزام به ترک، بلکه در مواردی اقتضاء الزام وجود داشته است؛ اما شارع به دلایلی ترخیص داده است. برای اینکه عبد به فرامین الهی گوش دهد و اطاعت کند؛ یعنی با اراده خودش آنچه را که باید انجام دهد، انجام دهد و آنچه را که باید ترک کند، ترک کند، شارع در مواردی دست عبد را باز گذاشته است؛ زیرا اگر می‌خواست در همه جا باید و نباید داشته باشد، عبد تحمل این همه فرمان را نداشت. اگر فهرست کنید، بدون شک تعداد افعالی که نه واجب است و نه حرام بسیار بیشتر از تعداد افعال واجب و حرام است. با این همه رعایت کردن سنگین به نظر می‌رسد و التزام به همین مقدار الزامات هم سخت به نظر می‌آید و معلوم نبود اگر خدا - تبارک و تعالی - از این مقدار بیشتر الزام می‌داشت، چند نفر به احکام شرعی ملتزم می‌ماند!